سال ۱ - شماره ۳- بهار ۱۴۰۵
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۵
صفحات: ۱۷-۱

فصلنامهٔ مطالعات دیپلماتیک ایران

Vol 1- No 3 – spring 2026
Reseived Date: 2026/5/5
Accept Date:
PP: 1-17

از دیپلماسی سنتی تا دیپلماسی دیجیتال؛ تغییر الگوهای ارتباطات بین‌المللی

سهیلا جانباز*[۱]- افشین زرگر[۲]

چکیده:

جهان شاهد تحولی بزرگ در عرصه دیپلماسی است و دیپلماسی به عنوان یکی از نهادهای بنیادین نظام بین‌الملل، در گذار از چارچوب‌های سنتی مبتنی بر دولت محوری و ارتباطات محدود و سلسله مراتبی به عرصه دیپلماسی دیجیتال وارد شده است. این تحول، الگوهای کلاسیک ارتباطات بین‌الملل را دگرگون ساخته و فضایی چندصدایی، فشرده و غیر متمرکز را ایجاد کرده است. در حالی که دیپلماسی سنتی دولت محور و مبتنی بر مجراهای محدود و محرمانه بود، دیپلماسی دیجیتال، فضایی شبکه‌ای، تعاملی و شفاف را ایجاد کرده است که بازیگران غیردولتی نیز در آن نقش آفرینی می‌کنند. سوال آن است که دیپلماسی دیجیتال چگونه الگوهای ارتباطی و نقش بازیگران در عرصه بین‌الملل را بازتعریف می‌کند؟ فرضیه این مقاله بر آن است که دیپلماسی دیجیتال از طریق تسهیل تعامل مستقیم و چند جانبه در حال ایجاد الگوهای ارتباطی تعاملی، شفاف و غیرمتمرکز در عرصه بین‌الملل است. روش تحقیق کیفی با رویکرد توصیفی- تحلیلی است. این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب نظری سازه‌انگاری، استدلال می‌کند که این تغییر تنها در ابزار نیست، بلکه در هنجارها، هویت‌ها و خودِ فرآیند معناسازی در عرصه جهانی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که فضای دیجیتال، هنجارهای ارتباطی را از محرمانگی به سمت شفافیت سوق داده، نقش سنتی دیپلمات‌ها را به تسهیل‌گران گفت وگو تغییر داده و با شکل‌دهی به شبکه‌های فراملی، بستری برای ظهور هویت‌های جمعی جدید فراهم کرده است.

واژگان کلیدی: دیپلماسی دیجیتال، ارتباطات بین‌الملل، الگوهای ارتباطی، هنجارسازی، سازه‌انگاری

[۱]- دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی،کرج، ایران
soheila.janbaz@iau.ac.ir
[۲] - دانشیار گروه روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی،کرج، ایران

مقدمه:

در سپهر پرآشوب روابط بین‌الملل معاصر، دیپلماسی به عنوان رکن اصلی تنظیم مناسبات بین دولت‌ها، در حال گذار از بنیادهای سنتی خود است. در دنیای امروز، تحولات فناورانه به ویژه در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات، ساختار و فرایندهای دیپلماسی را به طور بنیادینی تغییر داده است. این تحول، پرسش‌های بنیادینی را درباره ماهیت، کارگزاران و الگوهای ارتباطی در عرصه جهانی برانگیخته است. دغدغه اصلی این نوشتار، واکاوی همین دگردیسی است، این که دیپلماسی دیجیتال چگونه الگوهای ارتباطی و نقش بازیگران در عرصه بین‌الملل را بازتعریف می‌کند؟ برای درک این گذار باید از الگوهای کلاسیک دیپلماسی آغاز کرد. دیپلماسی که زمانی فرآیندی سنتی، محرمانه و عمدتاً متمرکز در میان دولت‌ها بود، اکنون با ظهور فناوری‌های دیجیتال به زبانی نو و در قالبی تعاملی و چند جانبه متحول شده است. (تقوی رمضانی و دیگران،۱۴۰۲: ۲۱۹-۲۶۸) دیپلماسی سنتی در قالب‌هایی دولت محور، سلسه مراتبی و مبتنی بر مجراهای محدود و غالباً محرمانه تعریف می‌شد. در این الگو، دولت‌ها به عنوان یگانه بازیگران عرصه بین‌الملل از طریق کانال‌های دیپلماتیک مشخص و با ابزارهای مشخصی چون مذاکره محرمانه، اقدام به تنظیم روابط خود می‌کردند.

اما جهان شهری دیجیتال و انقلاب فناوری‌های ارتباطی، این پارادایم را درهم شکسته است. طبق دیدگاهی که در تحلیل‌های دیپلماسی عمومی نوین مطرح می‌شود، شاهد گذار از تصویر محوری بر مبنای مدل ارتباطات نامتقارن یکسویه به گفتگومحوری بر مبنای مدل ارتباطات متقارن دوسویه هستیم.(سعیدی و هادیان،۱۴۰۲: ۶۱-۳) این گذار، تنها یک تغییر در ابزارها نیست، بلکه دگرگونی در خود فرآیند ارتباط و ماهیت کنشگری در عرصه بین‌الملل محسوب می‌شود. فضای دیجیتال، محیطی شبکه‌ای، فشرده و چندصدایی ایجاد کرده است که در آن، زمان و مکان فشرده شده و امکان کنشگری برای بازیگرانی فراتر از دولت‌ها فراهم آمده است. این جا است که مساله اصلی این نوشتار شکل می‌گیرد، درک چگونگی بازتعریف نقش‌ها و الگوهای ارتباطی در این محیط نوین سیر تحول دیپلماسی را می‌توان در سه گذار کلیدی خلاصه کرد، گذار از ابزار تا محیط که فناوری‌های دیجیتال از حالت ابزاری در خدمت دیپلماسی سنتی خارج شده‌اند و به زیست بوم جدیدی برای کنش‌های دیپلماتیک تبدیل شده‌اند. این محیط جدید، قواعد بازی را تغییر داده است و بازیگران تازه‌ای را به میدان آورده است. گذار از تک‌گویی (مونولوگ) به گفت وگو (دیالوگ) نیز وجود دارد که همانگونه که در ادبیات دیپلماسی عمومی نوین اشاره شد است، مدل یکسویه و مبتنی بر اقناع در حال جایگزینی با مدلی دوسویه و مبتنی بر ترویج هماهنگی و ایجاد روابط است. شبکه‌های اجتماعی، نمونه عینی این گفت وگوی گسترده و چند سطحی هستند. گذار دیگر، گذار از دولت محوری به چندکنشگری است، در عصر دیجیتال، بازیگران غیردولتی از جمله سازمان‌های مردم نهاد، شرکت‌های چند ملیتی، گروه های فعال مدنی و حتی شهروندان عادی به کنشگرانی موثر در عرصه دیپلماسی تبدیل شده‌اند. این بازیگران با استفاده از قدرت نرم و توانمندی فرهنگی نه تنها بر سیاست‌های دولت متبوع خود اثر می‌گذارند، بلکه سیاست‌های دیگر کشورها را نیز به نقد می‌کشند و گاه آنان را وادار به تغییر رویکرد می‌کنند. (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۲)

این تحول نه تنها الگوهای ارتباطی میان بازیگران بین‌المللی را بازتعریف می‌کند بلکه نقش دولت‌ها، نهادهای غیردولتی و حتی افکار عمومی را دگرگون می‌سازد. این تغییر الگوها که می‌توان آن را زیر چتر دیپلماسی دیجیتال طبقه‌بندی کرد، اهمیت یافته است زیرا فضای جدیدی برای ارتباط شفاف، گسترده و بی‌واسطه

را فراهم آورده است که به بهبود فهم متقابل، افزایش پاسخگویی و تسهیل همکاری‌های بین‌المللی منجر می‌شود. مساله در این زمینه، درک ماهیت و آثار این تغییرات بر روابط بین‌الملل و دیپلماسی است. دیپلماسی دیجیتال از طریق ابزارهای آنلاین و رسانه‌های اجتماعی، امکان برقراری ارتباط مستقیم و بی‌واسطه میان دولت‌ها و مخاطبان داخلی و خارجی را فراهم می‌آورد. این امر باعث افزایش شفافیت و پاسخگویی می‌شود و نقش سنتی واسطه‌ها را کاهش می‌دهد. به علاوه، فضای دیجیتال امکان حضور همزمان بازیگران متنوع با دیدگاه‌ها و منافع گوناگون را در عرصه بین‌المللی فراهم آورده و به تسهیل ارتباطات چندجانبه کمک می‌کند. (امان‌پور، ۱۴۰۲) از سوی دیگر، پیچیدگی‌ها و چالش‌هایی مانند مدیریت اطلاعات نادرست، امنیت سایبری و ضرورت برنامه‌ریزی دقیق در استفاده از این فناوری‌ها نیز دغدغه‌های مهمی در مسیر توسعه دیپلماسی دیجیتال به شمار می‌آید.

با توجه به رشد فناوری‌های نوین و نفوذ روز افزون آنها در تمامی ابعاد زندگی و به ویژه سیاست خارجی، پرداختن به دیپلماسی دیجیتال و تاثیر آن بر بازتعریف نقش بازیگران و الگوهای ارتباطی در عرصه بین‌الملل، ضرورت علمی و عملی قابل توجهی دارد. اهمیت این موضوع از آن جهت است که در عصر دیجیتال، موفقیت سیاست خارجی کشورها به میزان قابل توجهی به توانایی آنها در استفاده بهینه از ابزارهای دیجیتال، مدیریت تعاملات گسترده و شفاف و همچنین مقابله هوشمندانه با تهدیدات و چالش‌های فضای مجازی وابسته است. (یگانگی، ۱۴۰۳) بنابراین، تحلیل و بررسی سازوکارهای دیپلماسی دیجیتال و پیامدهای آن برای ساختارهای قدرت و تعاملات بین‌المللی، گامی اساسی در فهم بهتر تحولات معاصر و نقشه راهی برای سیاست‌گذاران و دیپلمات‌ها خواهد بود. اهمیت موضوع دیپلماسی دیجیتال در توانمندسازی دولت‌ها برای تقویت نفوذ نرم، ارتقای مشارکت عمومی در سیاست خارجی، مدیریت موثر بحران‌ها و همچنین افزایش تعاملات بین‌المللی به گونه‌ای است که دگرگونی آن را به یک پدیده استراتژیک در روابط بین‌الملل تبدیل کرده است. گذار از دیپلماسی سنتی به دیجیتال، یک تحول صرفاً تکنولوژیک نیست، بلکه یک دگرگونی پارادایمی در ارتباطات بین‌الملل است.

چارچوب نظری

در هر پژوهش، چارچوب نظری نقشه راهی است که محقق از طریق آن به پدیده مورد مطالعه می‌نگرد. این چارچوب، الگویی است که فرد پژوهشگر براساس آن درباره روابط بین عواملی که در ایجاد مساله مهم تشخیص داده شده‌اند، نظریه‌پردازی می‌کند. در واقع چارچوب نظری همچون دریچه‌ای است مسیر را روشن می‌سازد. برای تبیین گذار از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی دیجیتال، این پژوهش از رویکرد سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل بهره می‌گیرد. اهمیت این رویکرد برای موضوع حاضر در آن است که برخلاف رویکردهایی که عمدتاً رفتار بازیگران را بر اساس توزیع توانمندی‌های مادی و منافع از پیش موجود توضیح می‌دهند، بر نقش ایده‌ها، هنجارها، هویت‌ها و تعاملات اجتماعی در شکل‌دهی به رفتار و مناسبات بین‌المللی تأکید می‌کند. از این منظر، ساختارهای اجتماعی و معانی مشترک نه اموری ثابت و از پیش داده شده، بلکه محصول تعاملات میان کنشگران هستند و متقابلاً رفتار آنان را شکل می‌دهند (موسوی و جوادی ارجمند، ۱۴۰۱: ۷۸-۶۵).

سازه‌انگاری این امکان را می‌دهد که بررسی شود چگونه هویت‌ها، باورها و هنجارهای جدیدی که در فضای دیجیتال شکل می‌گیرند، می‌توانند تعاریف جدید از امنیت، منافع و قدرت ایجاد کنند. با توجه به دیپلماسی دیجیتال، نظریه سازه‌انگاری ابزار نظری ارزشمند برای تحلیل چگونگی بازتعریف هویت‌ها و نقشه‌های رفتاری بازیگران دیپلماتیک است. در فضای دیجیتال که امکان تعامل بی‌واسطه، چندجانبه و گسترده میان دولت‌ها،

نهادهای غیردولتی و حتی افکار عمومی فراهم آمده، این ساختارهای اجتماعی جدید و هویت‌های متحول شده می‌توانند به سرعت شکل بگیرند و پذیرفته شوند. مثلاً رسانه‌های اجتماعی به عنوان پلتفرم‌های تولید و انتشار هنجارها و روایت‌های جدید دیپلماتیک زمینه‌ساز ایجاد اجماع‌های نوین در عرصه بین‌الملل شده‌اند.(Smith،2024) از این رو، سازه‌انگاری اهمیت نقش ایده‌ها و معناها را در تحولات دیپلماتیک دیجیتال برجسته می‌سازد.

در ادبیات کلاسیک سازه‌انگاری، نیکلاس اونوف بر نقش قواعد و زبان در «ساختن» واقعیت اجتماعی تأکید دارد و الکساندر ونت نیز با صورت‌بندی سازه‌انگارانه خود نشان می‌دهد که هویت‌ها و منافع کنشگران مستقل از فرایندهای اجتماعی و تعاملات میان آنان قابل فهم نیستند. از دیدگاه ونت، ساختارهای بین‌المللی صرفاً از توزیع ظرفیت‌های مادی تشکیل نمی‌شوند، بلکه ایده‌ها و معانی مشترک نیز در شکل‌دهی به روابط میان کنشگران نقش دارند؛ به همین دلیل، هویت و منافع کنشگران در جریان تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد و می‌تواند تغییر کند(Wendt، 1992:391-425).

بر مبنای این مبانی، سازه‌انگاری در پژوهش حاضر صرفاً برای توصیف ویژگی‌های دیپلماسی دیجیتال به کار نمی‌رود، بلکه به عنوان چارچوبی برای توضیح چگونگی تغییر الگوهای ارتباطی و بازتعریف نقش بازیگران مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر این اساس، چهار مفهوم هنجار، هویت، منافع و تعامل اجتماعی به عنوان مفاهیم اصلی برای تحلیل این تحول در نظر گرفته می‌شوند.

نخست، هنجارها در این پژوهش به انتظارات و قواعد اجتماعی‌ای اشاره دارند که نحوه رفتار و ارتباط بازیگران را تنظیم می‌کنند. در دیپلماسی سنتی، محرمانگی، رسمیت، سلسله مراتب و کنترل کانال‌های ارتباطی از جمله قواعد مسلط بر ارتباطات دیپلماتیک بوده‌اند؛ در حالی که گسترش فضای دیجیتال، زمینه تقویت هنجارهایی مانند شفافیت، پاسخگویی، سرعت، دسترسی عمومی و تعامل مستقیم را فراهم کرده است. بنابراین، تغییر از ارتباطات محدود و عمدتاً یک سویه به ارتباطات بازتر و تعاملی را می‌توان از منظر سازه‌انگاری، بخشی از فرآیند رقابت، بازتولید و تغییر هنجارهای ارتباطی در عرصه بین‌المللی دانست. این برداشت با تأکید سازه‌انگاری بر نقش هنجارها در شکل‌دهی به رفتار بازیگران سازگار است (موسوی و جوادی ارجمند، ۱۴۰۱).

دوم، هویت در این چارچوب اهمیت اساسی دارد. از نگاه سازه‌انگارانه، هویت بازیگران پیشاپیش ثابت و مستقل از تعاملات اجتماعی نیست، بلکه در فرآیند ارتباط و تعامل شکل می‌گیرد. از این منظر، گسترش دیپلماسی دیجیتال را می‌توان زمینه‌ای برای بازتعریف هویت برخی از بازیگران دیپلماتیک دانست. در این فرآیند، دیپلمات دیگر صرفاً نماینده رسمی دولت در کانال‌های محدود و سلسله‌مراتبی نیست، بلکه می‌تواند در نقش تسهیل‌گر گفت‌وگو، تولیدکننده پیام و مدیر ارتباطات شبکه‌ای ظاهر شود. همزمان، سازمان‌های غیردولتی، رسانه‌ها، شرکت‌های فناوری و کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز در برخی موضوعات امکان ایفای نقش فعال‌تر در فرآیندهای ارتباطی بین‌المللی پیدا می‌کنند. بنابراین، تغییر الگوی ارتباطی در فضای دیجیتال، با تغییر در تصور از «چه کسی» می‌تواند در فرآیند دیپلماتیک مشارکت کند نیز همراه است.

سوم، منافع از منظر سازه‌انگاری مستقل از هویت و ساختارهای معنایی نیستند. به بیان دیگر، آنچه یک بازیگر «منافع» خود تلقی می‌کند، می‌تواند تحت تأثیر هویت، باورها، هنجارها و تعاملات اجتماعی شکل گیرد. بر همین اساس، ورود دولت‌ها به فضای دیجیتال صرفاً واکنشی فنی به تحول فناوری نیست؛ بلکه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و سایر بسترهای دیجیتال می‌تواند بخشی از تلاش آنان برای تعریف و بازتعریف منافع

ارتباطی، افزایش مشروعیت، تأثیرگذاری بر مخاطبان و شکل‌دهی به برداشت‌های دیگران از خود باشد. در نتیجه، دیپلماسی دیجیتال در این پژوهش به عنوان عرصه‌ای در نظر گرفته می‌شود که در آن منافع ارتباطی و سیاسی بازیگران در تعامل با محیط اجتماعی و مخاطبان مختلف بازتعریف می‌شوند.

چهارم، تعامل اجتماعی و فرآیند معناسازی حلقه اتصال مفاهیم فوق به پدیده دیپلماسی دیجیتال است. فضای دیجیتال برخلاف الگوی سنتی که در آن ارتباط دیپلماتیک عمدتاً از طریق کانال‌های رسمی و محدود صورت می‌گرفت، امکان تعامل مستمر میان دولت‌ها، دیپلمات‌ها، رسانه‌ها، سازمان‌های غیردولتی و مخاطبان عمومی را فراهم می‌کند. از دیدگاه سازه‌انگارانه، اهمیت این تعامل صرفاً در سرعت یا گستره انتقال پیام نیست؛ بلکه در این است که کنشگران از طریق همین تعاملات، برداشت خود از یکدیگر، هویت‌ها، انتظارات رفتاری و معنای مفاهیمی مانند همکاری، تهدید، مشروعیت و قدرت را شکل می‌دهند و تغییر می‌دهند. در این معنا، فضای دیجیتال را می‌توان محیطی اجتماعی برای تولید، انتقال و بازتفسیر معنا در روابط بین‌الملل تلقی کرد.

بر این اساس، سازه‌انگاری در این پژوهش در قالب چهار محور صورت می‌گیرد: نخست، بررسی تغییر هنجارهای ارتباطی از محرمانگی، رسمیت و سلسله‌مراتب به سوی شفافیت، پاسخگویی و تعامل؛ دوم، بررسی بازتعریف هویت دیپلمات‌ها و ورود بازیگران غیردولتی به فرآیندهای ارتباطی بین‌المللی؛ سوم، بررسی تأثیر تعاملات دیجیتال بر شکل‌گیری و بازتعریف منافع ارتباطی و سیاسی بازیگران؛ و چهارم، بررسی نقش شبکه‌های دیجیتال در تولید و بازتولید معنا و گفتمان‌های مربوط به مسائل بین‌المللی. در نتیجه، هرگاه در بخش تحلیلی مقاله از «شفافیت»، «تعامل مستقیم»، «چندکنشگری»، «بازتعریف نقش دیپلمات» یا «ظهور بازیگران غیردولتی» سخن گفته می‌شود، این مفاهیم نه صرفاً به عنوان ویژگی‌های فناورانه دیپلماسی دیجیتال، بلکه به عنوان نمودهای تغییر در هنجارها، هویت‌ها، منافع و فرآیندهای اجتماعی معناسازی مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

بنابراین، پیوند سازه‌انگاری با مسئله پژوهش را می‌توان در این گزاره خلاصه کرد که گذار از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی دیجیتال صرفاً انتقال ارتباطات دیپلماتیک از محیط فیزیکی به محیط آنلاین نیست، بلکه فرآیندی اجتماعی است که در جریان آن شیوه‌های ارتباط، هنجارهای پذیرفته‌شده، هویت بازیگران و معانی مرتبط با کنش دیپلماتیک نیز دستخوش تغییر می‌شوند. از این منظر، فناوری دیجیتال زمانی اهمیت نظری پیدا می‌کند که به تغییر در الگوهای تعامل و در نتیجه به بازسازی ساختارهای معنایی و اجتماعی روابط بین‌الملل منجر شود. بر همین مبنا، سازه‌انگاری چارچوب مناسبی برای توضیح این مسئله فراهم می‌کند که چرا دیپلماسی دیجیتال را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از ابزارهای جدید ارتباطی دانست، بلکه باید آن را بخشی از تحول در شیوه شکل‌گیری ارتباط، هویت و معنا در عرصه بین‌المللی تلقی کرد.

فضای دیجیتال بستری برای شکل گیری، انتشار و تحول هنجارهای جدید ارتباطی است. هنجارهایی مانند شفافیت، تعامل مستقیم، مشارکت جویی و پاسخگویی در حال رقابت و گاهی جایگزینی با هنجارهای سنتی دیپلماسی مانند محرمانگی و سلسه مراتب هستند. دیپلماسی دیجیتال، خود یک بازیگر هنجاری است هم از هنجارهای موجود تاثیر می پذیرد و هم در ساخت هنجارهای جدید مشارکت می‌جوید. (یگانگی، ۱۴۰۳) در محیط دیجیتال، هویت سنتی دولت به عنوان یگانه کنشگر انحصاری در حال باز تعریف است. از یک سو، هویت دیپلمات از نماینده محرمانه به تسهیلگر گفت وگو و مدیر شبکه‌ها تغییر می‌یابد. از سوی دیگر، بازیگران

غیردولتی هویت‌های جدیدی به عنوان کنشگران مشروع در عرصه بین‌الملل می‌یابند. این تعامل دیجیتال، هویت‌های فراملی جدیدی را نیز می‌سازد که وفاداری‌های سنتی را به چالش می‌کشد. (مرادی‌فر، ۱۴۰۰)

پیشینه پژوهش

با توجه به گسترش فناوری‌های ارتباطی و ورود تدریجی آن‌ها به حوزه سیاست خارجی، دیپلماسی دیجیتال طی سال‌های اخیر به یکی از موضوعات مورد توجه پژوهشگران روابط بین‌الملل و مطالعات ارتباطی تبدیل شده است. بررسی آثار موجود نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام‌شده را می‌توان در چند محور اصلی شامل تحول ساختار و کارکرد دیپلماسی، نقش فناوری‌ها و شبکه‌های اجتماعی، قدرت‌سازی و دیپلماسی عمومی، و همچنین هویت و الگوهای ارتباطی بازیگران دسته‌بندی کرد. گنجی‌دوست (۱۳۸۷) در مقاله «تحولات دیپلماسی در عصر اطلاعات» به بررسی تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر دیپلماسی پرداخته است. وی استدلال می‌کند که دیپلماسی به دلیل اتکای بنیادین خود بر اطلاعات و ارتباطات، از تحولات عصر اطلاعات تأثیر پذیرفته و در نتیجه، هم در شکل و هم در محتوای خود دستخوش تغییر شده است. اهمیت این پژوهش برای موضوع حاضر در آن است که تحول فناوری را یکی از عوامل مؤثر بر تغییر کانال‌ها و شیوه‌های ارتباط دیپلماتیک معرفی می‌کند؛ با این حال، تمرکز اصلی آن بر مرحله آغازین ورود فناوری اطلاعات به عرصه دیپلماسی است و مسئله بازتعریف هنجارها و هویت‌های کنشگران در محیط تعاملی دیجیتال را به صورت مستقل دنبال نمی‌کند. سعیدی و هادیان (۱۳۹۲) در مقاله «از دیپلماسی عمومی سنتی تا دیپلماسی عمومی نوین: رویکردی هابرماسی» بر تغییر الگوی ارتباطی دیپلماسی عمومی و حرکت از ارتباطات یک‌سویه به ارتباطات دوسویه و گفت‌وگومحور تأکید کرده‌اند. این پژوهش از این جهت با مسئله حاضر ارتباط دارد که تغییر رابطه میان دولت‌ها، رسانه‌ها و افکار عمومی را بخشی از تحول دیپلماسی می‌داند. با وجود این، تمرکز آن عمدتاً بر دیپلماسی عمومی و مبانی ارتباطی آن است و تحول همزمان هنجارهای ارتباطی، هویت بازیگران و فرآیند تولید معنا در فضای دیجیتال را در قالب یک چارچوب سازه‌انگارانه واحد بررسی نمی‌کند. فرهنگی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «دیپلماسی دیجیتال و روابط میان دولت‌ها در جوامع معاصر» به بررسی تأثیر فضای مجازی بر چارچوب‌های دیپلماسی و سیاست بین‌الملل پرداخته‌اند. آنان با توجه به ظرفیت رسانه‌های بین‌المللی و شبکه‌های اجتماعی، بر نقش این فضا در شکل‌دهی به تحولات اجتماعی ـ فرهنگی و تغییر اولویت‌های دیپلماتیک تأکید دارند. اهمیت این مطالعه برای پژوهش حاضر در توجه آن به نقش فضای مجازی در تحول روابط میان دولت‌ها و ورود بازیگران جدید به عرصه ارتباطات بین‌المللی است. با این حال، این پژوهش بیشتر بر ظرفیت رسانه‌ای و ارتباطی فضای مجازی تمرکز دارد و رابطه میان تغییر الگوهای ارتباطی و مفاهیم سازه‌انگارانه‌ای همچون هنجار، هویت و معناسازی را به صورت منسجم و عملیاتی‌شده دنبال نمی‌کند.کوهی نصرآبادی و واحد (۱۳۹۹) در مقاله «دیپلماسی رسانه‌ای و نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی» به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در تحول ارتباطات دیپلماتیک پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی با فراهم کردن امکان ارتباط دو سویه و چند سویه، الگوی سنتی تولید و توزیع پیام را دگرگون کرده و زمینه حضور طیف گسترده‌تری از بازیگران را در عرصه ارتباطات بین‌المللی فراهم ساخته‌اند. یافته‌های این مطالعه برای تبیین تغییر ساختار ارتباطی در دیپلماسی دیجیتال اهمیت دارد، اما تمرکز اصلی آن بر نقش رسانه و شبکه‌های اجتماعی است و کمتر به این پرسش می‌پردازد که این تحول ارتباطی چگونه به تغییر هنجارهای ارتباطی، بازتعریف

هویت دیپلماتیک و شکل‌گیری معانی جدید در تعاملات بین‌المللی منجر می‌شود. نبی‌پور (۱۳۹۹) در مقاله «آیا دیپلماسی دیجیتال ماهیت دیپلماسی را تغییر داده است؟» مسئله تغییر یا تداوم ماهیت دیپلماسی در نتیجه ورود فناوری‌های دیجیتال را مورد توجه قرار داده است. این پژوهش از این جهت به مسئله حاضر نزدیک است که صرف استفاده از ابزارهای دیجیتال را از تغییرات عمیق‌تر در فرآیند دیپلماتیک تفکیک می‌کند. در عین حال، مسئله تغییر الگوهای ارتباطی، هنجارها، هویت‌ها و نقش بازیگران در فضای دیجیتال را می‌توان به عنوان حوزه‌ای دانست که نیازمند بررسی منسجم‌تر در چارچوب نظری سازه‌انگاری است. در مقاله حاضر، این تمایز اهمیت دارد؛ زیرا هدف پژوهش صرفاً اثبات دیجیتالی شدن ابزارهای دیپلماسی نیست، بلکه بررسی تغییر در الگوی ارتباط و کنشگری دیپلماتیک است. زمانیان و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «مطالعه تطبیقی دیپلماسی دیجیتال آمریکا، بریتانیا، چین و روسیه» با استفاده از چارچوب نظری سازه انگاری و روش تحلیل مضمون، دیپلماسی دیجیتال چهار کشور را مقایسه کرده‌اند. این پژوهش از اهمیت ویژه‌ای برای مقاله حاضر برخوردار است؛ زیرا مستقیماً از مفاهیمی مانند هویت و ساختار در تحلیل دیپلماسی دیجیتال استفاده کرده است. یافته‌های آن نشان می‌دهد که کشورهای مورد مطالعه از دیپلماسی دیجیتال برای ترویج گفتمان، مدیریت فضای اطلاعاتی و بازنمایی هویت خود استفاده می‌کنند و میان الگوهای دیپلماسی دیجیتال آنها تفاوت‌هایی در سطح هویتی و گفتمانی وجود دارد. با وجود نزدیکی نظری این پژوهش به مقاله حاضر، تمرکز آن بر مقایسه الگوهای دیپلماسی دیجیتال چهار کشور است؛ در حالی که پژوهش حاضر در پی تبیین کلی‌تر فرآیند گذار از دیپلماسی سنتی به دیجیتال و بررسی تغییر الگوهای ارتباطی، هنجارها، هویت و فرآیند معناسازی در این گذار است. تقوی رمضانی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «دیپلماسی دیجیتال ابزار قدرت‌سازی دولت‌ها با هدف تدوین راهبرد برای جمهوری اسلامی ایران» نقش رسانه‌های نوین را در قدرت‌سازی دولت‌ها و دیپلماسی دیجیتال بررسی کرده‌اند. این پژوهش با رویکرد ترکیبی، بر ظرفیت رسانه‌های نوین برای انتقال و تولید روایت، جریان‌سازی و تقویت قدرت دیپلماتیک تأکید دارد. از این منظر، مطالعه مذکور به خوبی نشان می‌دهد که فضای دیجیتال از سطح یک ابزار ارتباطی فراتر رفته و با فرآیندهای قدرت و سیاست خارجی ارتباط پیدا کرده است. با این حال، تمرکز آن عمدتاً بر کارکرد قدرت‌ساز رسانه‌های نوین و تدوین راهبرد برای جمهوری اسلامی ایران است و مسئله تحول ساخت اجتماعی ارتباطات دیپلماتیک و رابطه میان تغییر فناوری، هنجارها، هویت‌ها و فرآیند معناسازی را در سطح عام روابط بین‌الملل بررسی نمی‌کند. مرادی‌فر (۱۴۰۰) نیز در بررسی «بازتعریف کارکرد دیپلماسی دیجیتال دولت‌ها» بر تغییر نقش و کارکرد دیپلماسی در محیط دیجیتال تأکید کرده است. در این دیدگاه، فضای دیجیتال امکان ارتباط مستقیم‌تر و گسترده تر دولت‌ها با مخاطبان را فراهم کرده و در نتیجه، نقش بازیگران و شیوه های ارتباطی دیپلماتیک را تحت تأثیر قرار داده است. این مطالعه از حیث توجه به بازتعریف کارکرد دیپلماسی برای پژوهش حاضر اهمیت دارد؛ با این حال، همچنان می‌توان میان بحث کارکردهای جدید دیپلماسی دیجیتال و تحلیل نظریِ فرآیندی که طی آن هنجارها، هویت‌ها و معانی ارتباط دیپلماتیک دگرگون می‌شوند، تمایز قائل شد.

بررسی تعریف دیپلماسی سنتی و دیجیتال

دیپلماسی سنتی به معنای کلاسیک آن به فرایند برقراری ارتباط رسمی و غیر رسمی میان نمایندگان دولت‌ها برای پیشبرد منافع ملی، حل اختلافات و ایجاد همکاری در عرصه بین‌الملل اطلاق می‌شود. این نوع دیپلماسی بر پایه گفت و گوهای رو در رو، ملاقات ها و مذاکرات حضوری شکل گرفت و نهادینه شدن

سفارتخانه‌های دائمی در عصر مدرن، ساختاری رسمی و نهادی به این فرایند بخشید. دیپلماسی سنتی عمدتاً توسط گروه کوچکی از دیپلمات ها و مقامات بلندپایه به صورت محرمانه و محدود انجام می‌شد و دسترسی عموم به فرایندها و مکالمات دیپلماتیک معمولاً امکانپذیر نبود. در این چارچوب، ارتباطات اغلب به صورت متمرکز و از طریق کانال‌های رسمی انجام می‌گرفت و رسانه‌ها و افکار عمومی نقش کمتری داشتند. (نبی‌پور، ۱۳۹۹) اما با رشد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، ایجاد شبکه جهانی اینترنت و به ویژه ظهور رسانه‌های اجتماعی، شاخه جدیدی به نام دیپلماسی دیجیتال شکل گرفت. دیپلماسی دیجیتال به معنای به کارگیری ابزارها، رسانه‌ها و فناوری‌های دیجیتال برای تسهیل و تسریع تعاملات دیپلماتیک است که در بسترهای آنلاین انجام می‌گیرد. این شکل نوین از دیپلماسی، برخلاف روش سنتی، امکان برقراری ارتباط مستقیم بین دولت‌ها و جوامع داخلی و بین‌المللی، شفافیت بیشتر، تعامل گسترده‌تر و چندجانبه را فراهم می‌سازد. همچنین دیپلماسی دیجیتال با حذف واسطه‌ها و با بهره‌گیری از فناوری‌هایی چون شبکه‌های اجتماعی، فضای سایبری و ارتباطات ویدئویی، فرصت-های جدیدی را برای دیپلمات‌ها در جهت تقویت قدرت نرم و نفوذ بین‌المللی فراهم آورده است. (وحیدی، ۱۳۹۹ : ۳۹-۶۲)

تاریخچه دیپلماسی دیجیتال نشان می‌دهد که این حوزه از تحول تکنولوژیک با مهاجرت از ارتباطات آفلاین به آنلاین آغاز شده و به سرعت با توسعه شبکه‌های اجتماعی چون توییتر، فیسبوک و دیگر پلتفرم‌ها مورد استقبال گسترده دولتمردان، نهادهای بین‌المللی و حتی مخاطبان عمومی قرار گرفته است. از اواخر قرن بیستم با افزایش دسترسی به اینترنت و گسترش فناوری اطلاعات، دیپلماسی آغاز به تطبیق با این فضا کرد، به طوری که امروزه بسیاری از مذاکرات، اطلاع‌رسانی‌ها و حتی روندهای تصمیم‌گیری در برخی حوزه‌ها با حضور و مشارکت گسترده آنلاین انجام می‌پذیرد. (گنجی‌دوست،۱۳۸۷: ۲۱۲-۱۸۵) با این حال، دیپلماسی دیجیتال صرفاً جایگزین دیپلماسی سنتی نشده است بلکه به صورت مکملی توسعه یافته و کانال‌های ارتباطی متنوع و متعدد را در روابط بین‌الملل ایجاد کرده است.

در نتیجه، دیپلماسی سنتی و دیجیتال هر دو نقش مهم و مکمل در نظام بین‌الملل دارند و تنوع و تعدد ابزارها

و شیوه‌های ارتباطی، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را پیش روی سیاست‌گذاران و دیپلمات‌ها نهاده است. دیپلماسی دیجیتال با افزایش شفافیت و مشارکت عمومی، تسهیل همکاری‌های چند جانبه و ارتقای دسترسی به اطلاعات به بازتعریف نقش بازیگران و ساختارهای قدرت در عرصه بین‌الملل کمک می‌کند.

تحلیل تغییر الگوهای ارتباطی بین‌المللی در عصر دیجیتال

دیپلماسی و ارتباطات بین‌الملل در حال تجربه یک دگرگونی بنیادین است. این تحول تنها مربوط به ظهور ابزارهای جدید نیست، بلکه به بازتعریف کامل محیط، بازیگران، موضوعات و خود فرآیند ارتباط در عرصه جهانی می‌پردازد. عصر دیجیتال با بنیان‌گذاری فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، تحولات شگرفی در الگوهای ارتباطی بین‌المللی ایجاد کرده است که فراتر از دگرگونی‌های دیپلماسی سنتی به شمار می‌رود. (برجعلی زاده و دیگران، ۱۴۰۰: ۶۵-۴۱) عصر دیجیتال، محیط فیزیکی سنتی روابط بین‌الملل را با یک حوزه استراتژیک جدید تلفیق کرده است. اینترنت با وجود ظاهر مجردی که دارد، بر پایه زیرساخت‌های فیزیکی بسیار آسیب پذیری استوار است که خود به میدان جدیدی برای رقابت و همکاری دولت‌ها تبدیل شده‌اند.

از مهمترین مغایرت‌ها با الگوهای سنتی، انتقال محوریت از ارتباطات یک سویه به تعاملی است. این تحول به معنای جابه جایی از مدل مخاطب منفعل به کاربر فعال است که نه تنها دریافت کننده بلکه تولید کننده محتوا و معنا در فضای ارتباطی محسوب می‌شود. در این بستر، محتوای رسانه‌ای که هویت تازه‌ای برای رسانه‌ها رقم زده، متنوع، چندرسانه‌ای، متن محور و در زمان واقعی است که قدرت روایت و تاثیرگذاری را افزایش می‌دهد. (ویدان، ۱۴۰۰) علاوه بر این، تغییرات در ساختار زمانی و مکانی ارتباطات، به ویژه انتقال از مناسبات زمانی خطی و برنامه‌ریزی شده به ارتباطات لحظه‌ای و غیرخطی، امکان واکنش‌های سریع و به روز را فراهم کرده است. در این مدل، فضاهای ارتباطی به فرامتن تبدیل شده‌اند که در آن افراد به جستجو، اتصال و سازماندهی اطلاعات از منابع مختلف می‌پردازند. (مهرابی شرف آبادی و دیگران، ۱۴۰۳: ۱۱۷-۸۵) این فضای متصل و غیرمرکزی باعث شده است که ارتباطات در قالب شبکه‌های چند وجهی و چند جانبه انجام گیرد و بازیگران جدیدی مانند نهادهای غیردولتی، گروه‌های اجتماعی و حتی افراد عادی با ظرفیت تاثیرگذاری بالاتر وارد عرصه شوند.

یکی دیگر از ابعاد مهم تحول، افزایش دسترسی و حذف انحصار تولید و توزیع اطلاعات است. الگوی سنتی که در آن دولت‌ها بازیگران انحصاری عرصه بین‌الملل بودند، در حال فروپاشی است. عصر دیجیتال شاهد ظهور بازیگران جدید و بسیار قدرتمندی همچون شرکت‌های فناوری، اینفلوئنسرها و جوامع مجازی است. در گذشته، رسانه‌های سنتی و دولت‌ها نقش مرکزی و انحصاری در تولید پیام‌ها داشتند، اما اکنون شبکه‌های دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی امکان دسترسی برابر به منابع اطلاعاتی و تبدیل همه کاربران به تولیدکنندگان محتوا را ممکن کرده‌اند. این وضعیت منجر به توده‌زدایی در ارتباطات و شکل‌گیری جوامع مجازی شده است که یکی از مهمترین پایه‌های دیپلماسی دیجیتال را تشکیل می‌دهد. (کوهی نصرآبادی و واحد، ۱۳۹۹ : ۲۸-۱) از منظر ساختاری، مدل‌های ارتباطی به سمت دسترسی‌های دوطرفه و چندطرفه حرکت کرده‌اند که در آنها پیام رسانی و بازخوردها به سرعت و به طور گسترده انجام می‌شود. روندی که به جای توزیع غیرمتعادل محتوا، تعامل و تراکنش‌های همزمان را تقویت می‌کند. اهمیت این تحول برای روابط بین‌الملل در آن است که دیگر قدرت رسانه‌ای در انحصار دولت‌های بزرگ نیست و بازیگران مختلف با عبور از مرزهای جغرافیایی و سیاسی می‌توانند نفوذ و تاثیرگذاری گسترده‌ای بر فضای دیپلماتیک و سیاست خارجی داشته باشند. (خسروی و دیگران، ۱۳۹۴ : ۱۴۸-۱۲۵)

در مجموع، تغییر الگوهای ارتباطی در عصر دیجیتال از جنبه‌های، تبدیل مخاطب منفعل به کاربر فعال که تولید محتوا و معنا می‌کند، گذار از فضای تک رسانه‌ای به فضای چندرسانه‌ای و فرامتنی، انتقال از ارتباطات خطی و زمان بندی شده به ارتباطات لحظه‌ای و غیرخطی، افزایش دسترسی عمومی و حذف انحصار اطلاعاتی و گسترش مدل‌های تعاملی و چندجانبه ارتباطی با حضور بازیگران متنوع، قابل تحلیل است. (جهان پرور و دیگران،۱۴۰۳ :۱۸۸-۱۵۵) این تغییرات ساختاری نه تنها الگوهای ارتباطات بین‌المللی را بازتعریف کرده‌اند، بلکه زمینه‌ساز ظهور دیپلماسی تعاملی و پویا شده‌اند که ارتباطات شفاف‌تر و مشارکت گسترده‌تر را ممکن می‌سازد. در این شرایط، موفقیت در عرصه بین‌الملل مستلزم توانمندی بالاتر در مدیریت این ارتباطات پیچیده و نوین است. ارتباطات بین‌الملل در حال گذار از یک پارادایم دولت محور، سلسه مراتبی و مبتنی بر قلمرو فیزیکی به یک پارادایم شبکه‌ای، چندکنشگری و مبتنی بر فضای سایبر است. در این پارادایم جدید، قدرت نه تنها در

توان نظامی، بلکه در توانایی اثرگذاری بر جریان اطلاعات و شبکه‌های ارتباطی و همچنین در ظرفیت شکل‌دهی به هنجارها و گفتمان‌های حاکم بر فضای دیجیتال تعریف می‌شود. برای درک تحولات پیش رو، دیپلماسی باید خود را با این واقعیت‌های نوین تطبیق دهد.

چالش‌ها و فرصت‌های دیپلماسی دیجیتال در فضایی تعاملی و غیرمتمرکز

فضای تعاملی و غیرمتمرکز دیجیتال، دیپلماسی را از قالبی بسته و نخبگانی به فرآیندی چند صدایی و شبکه‌ای تبدیل کرده است. در این فضا، دیپلماسی دیجیتال به طور همزمان هم فرصتی برای تعمیق نفوذ نرم و تقویت مشروعیت است و هم منبعی از تهدیدهای اطلاعاتی و امنیتی که می‌تواند اعتبار و کارآمدی سیاست خارجی را تضعیف کند. از منظر فرصت‌ها، دیپلماسی دیجیتال امکان مجاورت ارتباطی با افکار عمومی جهانی را فراهم کرده است و فاصله میان دیپلمات‌ها و مخاطبان داخلی و خارجی را به حداقل رسانده است. (Rashica،2019) ظرفیت برقراری ارتباط مستقیم، بلادرنگ و کم هزینه با شهروندان، نخبگان و رسانه‌های خارجی، ابزار مهمی برای پیشبرد دیپلماسی عمومی، تبیین روایت رسمی و افزایش قدرت نرم دولت‌ها شده است. دولت‌ها می‌توانند از طریق شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های تعاملی، بهبود تجربه کاربری را در دستورکار قرار داده و مستقیماً با مردم سایر کشورها ارتباط برقرار کنند. این امر امکان شکل‌دهی به افکار عمومی جهانی، ترویج فرهنگ و ارزش‌های ملی و پیشبرد اهداف سیاست خارجی از طریق قدرت نرم را با هزینه کم و بازدهی بالا فراهم می‌کند.

علاوه بر این، ماهیت شبکه‌ای و غیرمتمرکز فضای دیجیتال به ویژه رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های تعاملی، فرصت مناسبی برای حضور بازیگران کوچک‌تر ایجاد کرده است تا فراتر از محدودیت‌های مادی و ژئوپولتیکی، صدای خود را در سطح جهانی برجسته کنند. فضای تعاملی شهروندان، سازمان‌های مردم نهاد و بازیگران غیردولتی را قادر می‌سازد تا در بحث‌های سیاست خارجی مشارکت فعالانه‌تری داشته باشند. (International University Schiller،2024) این مشارکت‌جویی می‌تواند به غنای گفتمان ملی و بین‌المللی و افزایش پاسخگویی دستگاه دیپلماسی منجر شود. دیپلماسی دیجیتال در مدیریت بحران‌ها و موقعیت‌های حساس نیز فرصت‌های مهمی خلق کرده است و امکان پاسخگویی سریعتر به رویدادها و بحران‌های بین‌المللی را فراهم می‌آورد. امکان اطلاع رسانی لحظه‌ای، تنظیم پیام‌های هدفمند برای مخاطبان مختلف و تصحیح سریع شایعات یا سوء برداشت‌ها به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن مواضع خود را به طور مستقیم و بدون واسطه رسانه‌های سنتی به مخاطبان جهانی منتقل کنند و روایت خود را در شرایط بحران تثبیت و از تشدید تنش‌ها جلوگیری کنند. (Quadri،2024)

- **هنجارهای جدید ارتباطی در دیپلماسی دیجیتال**

از منظر سازه‌انگاری، تحول فوق را نمی‌توان صرفاً به تغییر ابزارهای ارتباطی یا افزایش سرعت انتقال پیام تقلیل داد؛ زیرا تداوم تعاملات دیجیتال می‌تواند به تدریج انتظارات و قواعد جدیدی را درباره چگونگی رفتار دیپلماتیک شکل دهد. بر اساس این رویکرد، هنجارها و معانی اجتماعی در فرآیند تعامل میان کنشگران شکل می‌گیرند و متقابلاً بر رفتار آنان اثر می‌گذارند. بر این اساس، ارتباط مستقیم با مخاطبان، پاسخگویی سریع، شفافیت بیشتر، حضور مستمر در فضای عمومی و ضرورت واکنش به مطالبات مخاطبان دیجیتال می‌تواند بخشی از انتظارات جدید از رفتار دیپلماتیک را ایجاد کند. در نتیجه، دیپلماسی دیجیتال صرفاً یک کانال

جدید برای انتقال همان پیام‌های سنتی نیست، بلکه می‌تواند به بازتعریف قواعد و هنجارهای ارتباط دیپلماتیک منجر شود؛ قواعدی که در آن سرعت، تعامل، دسترسی و پاسخگویی در کنار محرمانگی و اعتماد قرار (Wendt, 1992:395-399). این تغییر هنجاری به معنای حذف قواعد سنتی دیپلماسی نیست، بلکه بیانگر نوعی بازتنظیم رابطه میان سنت و نوآوری در عمل دیپلماتیک است. برای نمونه، گسترش ارتباطات دیجیتال، مرز میان ارتباط رسمی و غیررسمی، ارتباط خصوصی و عمومی و همچنین میان مخاطب داخلی و خارجی را تا حدی سیال کرده است. مطالعات مربوط به دیجیتالی‌شدن رویه‌های دیپلماتیک نیز نشان می‌دهد که ابزارهای دیجیتال، جایگاه و حدود شفافیت و محرمانگی را در مذاکرات دیپلماتیک مورد بازاندیشی قرار داده و دیپلمات‌ها را با این پرسش مواجه کرده است که چه نوع اشتراک‌گذاری اطلاعات در محیط دیجیتال، «رفتار مناسب و قابل اعتماد» محسوب می‌شود (Versloot & Eggeling، 2023:67) بنابراین، یکی از پیامدهای مهم فضای دیجیتال، شکل‌گیری تدریجی معیارهای جدید برای ارزیابی رفتار ارتباطی و حرفه‌ای دیپلمات‌هاست.

با بهره‌گیری از تحلیل داده‌ها، دولت‌ها می‌توانند محتوای دیپلماتیک خود را برای گروه‌های هدف مختلف در سراسر جهان شخصی‌سازی کنند. این شخصی‌سازی باعث افزایش اثربخشی پیام و تعمیق ارتباط با نخبگان، جوانان و گروه‌های خاص اجتماعی در دیگر کشورها می‌شود. همچنین، ابزارهای نوینی مانند تحلیل داده‌های کلان و هوش مصنوعی در رصد افکار عمومی، پایش بحران‌ها و پیش بینی روندها، ظرفیت تازه‌ای برای تصمیم‌سازی و دیپلماسی پیش دستانه فراهم آورده است. (جافاروا،۲۰۲۳) در نتیجه، فضای تعاملی و غیرمتمرکز نه تنها مخاطره‌زا نیست، بلکه در صورت برنامه ریزی صحیح می‌تواند ضریب هوشمندی سیاست خارجی را افزایش دهد.

- **رقابت گفتمانی و بازتعریف معنا در فضای دیجیتال**

در مقابل، همین ویژگی‌های تعاملی و غیرمتمرکز، چالش‌های جدی نیز برای دیپلماسی دیجیتال ایجاد می‌کند. مهم ترین چالش، عدم تقارن اطلاعاتی و گسترش اطلاعات نادرست است، شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های باز می‌توانند به بستری برای انتشار سازمان یافته اخبار جعلی، عملیات روانی و جنگ روایت‌ها تبدیل شوند که نه تنها اعتبار دیپلماتیک دولت‌ها را تهدید می‌کند بلکه می‌تواند بر تصمیم‌گیری نهادهای بین‌المللی و افکار عمومی جهانی اثر منفی بگذارد. در فضای غیرمتمرکز، کنترل انحصاری دولت‌ها بر روایت‌های سیاسی و اطلاعاتی از بین رفته است و این امر هژمونی اطلاعاتی دولت‌ها را به چالش کشیده و آنها را ناگزیر به رقابت در یک عرصه چندصدایی کرده است. (یادگاری، ۱۴۰۴) فرهنگ ناشناس بودن، حساب‌های جعلی و ربات های خودکار (bots) امکان مخدوش کردن مبادلات دیپلماتیک، جعل هویت و ایجاد بحران‌های ساختگی را افزایش داده است. برای حفظ امنیت در چنین فضایی، استفاده از رمزنگاری برای محافظت از ارتباطات و اطلاعات دیپلماتیک به یک ضرورت تبدیل شده است.

از منظر سازه‌انگاری، اهمیت این چالش تنها در سرعت انتشار اطلاعات نادرست یا دشواری کنترل آن خلاصه نمی‌شود، بلکه مسئله اساسی‌تر، رقابت کنشگران بر سر «معنا» و «تعریف واقعیت» است. در فضای دیجیتال، دولت‌ها، رسانه‌ها، شهروندان و بازیگران غیردولتی می‌توانند درباره یک رویداد واحد روایت‌های متفاوتی تولید و منتشر کنند و از طریق تکرار، بازتفسیر و بازنمایی آن، برداشت مخاطبان را تحت تأثیر قرار دهند. بنابراین، قدرت در این عرصه صرفاً به توانایی تولید و انتشار پیام وابسته نیست، بلکه به توانایی ایجاد معنای مشترک،

تثبیت یک روایت و شکل‌دهی به برداشت دیگران از هویت و رفتار یک کنشگر نیز ارتباط پیدا می‌کند. از این منظر، رقابت گفتمانی در فضای دیجیتال را می‌توان بخشی از فرآیند اجتماعی ساختن واقعیت بین‌المللی دانست؛ فرآیندی که در آن هویت و منافع کنشگران نیز می‌توانند در تعامل با دیگران بازتعریف شوند (Wendt، 1992:396-399).

- **نقش و هویت بازیگران در دیپلماسی**

ماهیت شبکه‌ای فضای دیجیتال همچنین جایگاه و هویت بازیگران دیپلماسی را دستخوش تغییر کرده است. در الگوی سنتی، دولت‌ها و نمایندگان رسمی آن‌ها نقش محوری در تولید و انتقال پیام‌های دیپلماتیک داشتند؛ اما در محیط دیجیتال، شهروندان، رسانه‌ها، سازمان‌های مردم نهاد، شرکت‌های فناوری، کارشناسان و حتی کاربران عادی می‌توانند در تولید، بازنشر و تفسیر پیام‌های مرتبط با سیاست خارجی مشارکت کنند. از منظر سازه‌انگارانه، این تحول را می‌توان نوعی بازتعریف نقش و هویت کنشگران دانست؛ زیرا هویت یک بازیگر صرفاً بر اساس ویژگی‌های مادی آن تعیین نمی‌شود، بلکه در فرآیند تعامل اجتماعی و بر اساس انتظارات متقابل شکل می‌گیرد. بنابراین، ورود بازیگران غیردولتی به عرصه ارتباطات بین‌المللی می‌تواند مرز میان «تولیدکننده پیام دیپلماتیک» و «مخاطب پیام دیپلماتیک» را تا حدی از میان بردارد (Wendt، 1992:397-399).

بر این اساس، دیپلمات در فضای دیجیتال دیگر صرفاً نماینده‌ای رسمی برای انتقال مواضع دولت نیست، بلکه به کنشگری تبدیل می‌شود که باید همزمان در فرآیند گفت‌وگو، پاسخگویی، مدیریت روایت و تعامل با شبکه‌ای متنوع از مخاطبان مشارکت کند. در همین حال، مخاطبان نیز از موقعیت منفعل خارج شده و در فرآیند تولید و بازتولید معنا نقش فعال‌تری پیدا می‌کنند. در نتیجه، دیپلماسی دیجیتال را می‌توان عرصه‌ای دانست که در آن هویت‌های دیپلماتیک از طریق تعامل مستمر میان دولت‌ها، دیپلمات‌ها، رسانه‌ها و افکار عمومی بازتولید می‌شوند. این تحول با منطق سازه‌انگاری سازگار است؛ زیرا بر نقش تعامل اجتماعی در شکل‌گیری هویت‌ها و منافع تأکید دارد و نشان می‌دهد که تغییر در الگوهای ارتباطی می‌تواند به تغییر در نقش‌های مورد انتظار از کنشگران نیز منجر شود (Wendt، 1992: 394-399).

- **چالش امنیتی و نهادی دیپلماسی دیجیتال**

چالش مهم دیگر، آسیب‌پذیری سایبری و خطر نفوذ در زیرساخت‌های ارتباطی دیپلماسی دیجیتال است. تعامل در محیط دیجیتال، دستگاه دیپلماسی را در معرض تهدیدات سایبری قرار می‌دهد. استفاده گسترده از پلتفرم‌های باز و سرویس‌های تجاری خارجی در کنار اتکای روزافزون به زیرساخت‌های ابری و ابزارهای ارتباطی دیجیتال، سطح حمله را برای بازیگران مخرب گسترش داده است. (نقیب السادات، ۱۴۰۴ :۸۰-۵۵) حملات سایبری، شنود دیجیتال، افشای اسناد حساس یا دستکاری پیام‌های رسمی، می‌تواند نه فقط به اعتبار دیپلماسی کشورها ضربه بزند، بلکه امنیت ملی، ثبات بازارها و روابط دوجانبه را نیز تحت تاثیر قرار دهد. این وضعیت، نیازمند تدوین سیاست‌های جامع امنیت سایبری دیپلماتیک و ایجاد ظرفیت‌های تخصصی در وزارت خانه‌های خارجه است.

چالش دیگر، شکاف مهارتی و نهادی در درون ساختارهای دیپلماتیک است. دیپلماسی دیجیتال در یک محیط انعطاف پذیر، خلاق و شبکه‌ای شکوفا می‌شود، در حالی که بسیاری از وزارت خانه‌های خارجه هنوز ساختاری سلسله مراتبی و بوروکراتیک دارند که با منطق سرعت، آزمایش‌گری و تعامل افقی ناسازگار است. (Rashica، 2019)

برخورداری از مزایای دیپلماسی دیجیتال مستلزم دسترسی به زیرساخت‌های دیجیتال پیشرفته و مهارت‌های لازم برای بهره‌برداری از آن ها است. این امر می‌تواند به حاشیه نشینی دیجیتالی کشورهای فقیر یا دارای حکومت‌های بسته بیانجامد و قدرت اعمال نفوذ آنها در عرصه بین‌المللی را بیش از پیش کاهش دهد. فقدان سواد رسانه‌ای و داده‌ای در میان دیپلمات‌ها، عدم وجود راهبردهای یکپارچه برای هماهنگی میان دیپلماسی سنتی و دیجیتال و نیز نبود پروتکل‌های روشن برای مدیریت خطاها و بحران‌های ارتباطی دیجیتال، می‌تواند ابزارهای دیجیتال را به تهدیدی برای انسجام پیام و اعتبار دستگاه سیاست خارجی تبدیل کند.(نصری نصرآبادی و دیگران، ۱۳۹۹ : ۲۷۱-۲۴۱)

این شکاف، خود به تقویت نابرابری در نظام بین‌الملل دامن می‌زند. برای درک بهتر این تحول، مقایسه این دو الگو سنتی و نوین دیپلماسی در جدول زیر انجام شده است.

جدول شماره ۱: مقایسه گذار از الگوهای سنتی به الگوهای نوین دیپلماسی

مولفه	دیپلماسی سنتی	دیپلماسی دیجیتال در فضای تعاملی و غیرمتمرکز
ساختار ارتباطی	متمرکز، سلسله مراتبی و دولت محور	شبکه ای، غیرمتمرکز و چندکنشگری
کانال‌های ارتباطی	ملاقات‌های رودررو، نامه‌های دیپلماتیک	شبکه های اجتماعی، پلتفرم‌های تعاملی ، ویدئوکنفرانس
سرعت و چابکی	کند و مبتنی بر پروتکل‌های طولانی	سریع، بلادرنگ و پاسخگو
سطح شفافیت	محدود و محرمانه	نسبتاً شفاف و در معرض عموم
کنشگران اصلی	انحصاراً دولت‌ها و دیپلمات‌های رسمی	دولت‌ها به همراه شهروندان، سازمان‌های مردم نهاد، شرکت‌های فناوری و..

با وجود چالش‌ها، مزیت‌های فضایی تعاملی و غیرمتمرکز در دیپلماسی دیجیتال در صورت حکمرانی هوشمند بر داده، روایت و زیرساخت می‌تواند بر تهدیدها غلبه کند. طراحی راهبردهای دیپلماسی دیجیتال بر پایه اصولی مانند شنیدن فعال، اولویت بندی اهداف، هم افزایی با دیپلماسی سنتی، مشارکت معنادار با افکار عمومی و سازگاری مستمر با تحولات تکنولوژیک، می‌تواند این فضا را به سکویی برای تقویت مشروعیت، اعتماد و همکاری در نظام بین‌الملل تبدیل کند. راهبرد موفقیت برای دولت‌ها در این عصر، نه انکار یا مقابله با این جریان، بلکه سازگاری هوشمندانه با آن است. آینده از آن کشوری است که بتواند در عین بهره‌گیری از فرصت‌های ارتباط مستقیم و قدرت نرم از حریم امنیت و حاکمیت خود در این فضای پیچیده و پویا به طور موثر دفاع کند. در صورت تحقق این امر، دیپلماسی دیجیتال نه یک گزینه حاشیه‌ای، بلکه بخشی جدایی ناپذیر از معماری قدرت و حکمرانی جهانی درقرن بیست و یکم خواهد بود.

نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر با بررسی تحول از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی دیجیتال، تغییر الگوهای ارتباطی بین‌المللی را در عصر فناوری‌های دیجیتال به تصویر کشید و چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از این تحول را تحلیل کرد. تحلیل مبتنی بر چارچوب نظری سازه انگاری نشان داد که هویت‌ها، باورها و ساختارهای اجتماعی عرصه بین‌الملل نه ثابت و جبری، بلکه ساخته و بازآفرینی شده از طریق تعاملات اجتماعی و فرهنگی هستند. دیپلماسی دیجیتال به عنوان بستر جدیدی برای این تعاملات، تحولات عمیقی در فهم ما از فرآیندهای دیپلماتیک و روابط بین‌الملل ایجاد کرده است. فضای دیجیتال در حال ساخت هنجارهای اجتماعی جدیدی

در عرصه ارتباطات بین‌الملل است که از منظر سازه‌انگاری، هنجارها انتظارات رفتاری مشترکی هستند که کنش بازیگران را تنظیم می‌کنند. دیپلماسی سنتی با تمرکز بر ارتباطات رسمی، محرمانه و متمرکز میان دولت‌ها، پیامدهای محدودتری در انتقال معنا و مبادلات گسترده داشت، در حالی که دیپلماسی دیجیتال فضای تعاملی، چندجانبه و شفاف‌تر را فراهم ساخته که در آن بازیگران متعدد فراتر از دولت‌ها از نهادهای غیردولتی تا افکار عمومی جهانی، نقش آفرینی می‌کنند. این تحول ساختاری در الگوهای ارتباطی، نشان دهنده تغییر در هویت ها و منافع بازیگران بین‌المللی است که سازه انگاری آن را امری پویا و قابل تغییر به واسطه تعاملات انسانی می‌داند. به بیان دیگر، فضای دیجیتال به مثابه کنشگاهی اجتماعی است که در آن هنجارها، باورها و مناسبات تازه در حال شکل‌گیری است و دیپلماسی دیجیتال وسیله‌ای برای بازتعریف این ساختارهای نوین است.

یافته‌ها موید آن است که هنجارهای دیرپای دیپلماسی سنتی از جمله محرمانگی و سلسه مراتب، در حال رقابت و حتی جایگزینی با هنجارهای نوظهوری مانند شفافیت، تعامل مستقیم و پاسخگویی هستند. برای نمونه، استفاده وزارتخانه‌های امور خارجه از شبکه‌های اجتماعی برای انتشار بلادرنگ مواضع و گفت وگوی مستقیم با مردم، تنها یک تغییر تاکتیکی نیست، بلکه نشان دهنده یک تحول هنجاری عمیق است. این گذار، تاییدی بر این اصل سازه انگاری است که هنجارها اموری ثابت نیستند، بلکه در پی فرآیندهایی مانند تعاملات پدید می‌آیند و دگرگون می‌شوند. دیپلماسی دیجیتال کانون سنتی هویت بازیگران بین‌المللی را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. سازه‌انگاران بر این باورند که هویت‌ها امری رابطه‌ای بوده و از طریق تعاملات اجتماعی ساخته می‌شوند و هویت انحصاری دولت‌ها به عنوان تنها کنشگر عرصه بین‌الملل در حال بازتعریف است. همچنین دیپلمات‌ها هویت جدیدی به عنوان تسهیلگر گفت وگو و مدیر شبکه‌ها می‌یابند، نه صرفاً نمایندگان محرمانه و بازیگران غیردولتی مانند سازمان‌های مردم نهاد، شرکت‌های فراملیتی و شهروندان، هویت کنشگران مشروع و اثرگذار را کسب کرده‌اند. این تغییر هویت‌ها، به وضوح نشان می‌دهد که چگونه محیط دیجیتال به عنوان یک بستر تعاملی جدید، در حال ساخت اجتماعی نقش‌ها و موقعیت‌های تازه برای بازیگران مختلف است.

این نوشتار همچنین موید آن است که فضای دیجیتال تنها یک ابزار ارتباطی نیست، بلکه یک عرصه گفتمانی

است که در آن مفاهیم بنیادین روابط بین‌الملل در حال بازتعریف دائمی هستند. از نگاه سازه‌انگاری، گفتمان‌ها به واقعیت‌های اجتماعی معنا می‌بخشند و در این عرصه معنای مفاهیمی چون قدرت، حاکمیت و امنیت در حال دگرگونی است. قدرت دیگر صرفاً در توان نظامی یا اقتصادی خلاصه نمی‌شود، بلکه به توانایی اثرگذاری بر جریان اطلاعات و شبکه‌های ارتباطی تبدیل شده است. این تحول گفتمانی، خود موجب شکل‌گیری هنجارها و انتظارات جدیدی از رفتار دولت‌ها شده است. با جمع بندی یافته‌ها می‌توان ادعا کرد که دیپلماسی دیجیتال، نمونه‌ای بارز از ساخت اجتماعی واقعیت در عرصه بین‌الملل است. تحولات مورد بررسی، به خوبی سه گزاره اصلی سازه انگاری را عینیت می‌بخشند، ساختارهای هنجاری و فکری (مانند هنجار شفافیت) به اندازه ساختارهای مادی در شکل‌دهی به رفتار بازیگران اهمیت دارند. هویت و هنجارهای جدید (مانند هویت کنشگری شهروندان عادی) هستند که منافع و کنش‌های بازیگران در فضای جهانی را شکل می‌دهند و ساختار (فضای دیجیتال) و کارگزار (دولت‌ها و بازیگران غیردولتی) به صورت متقابل یکدیگر را شکل می‌دهند. بنابراین،

گذار به دیپلماسی دیجیتال را نباید صرفاً یک تغییر تکنولوژیک دانست، بلکه باید آن را یک دگرگونی پارادایمی در نظر گرفت که در آن، ایده‌ها، هنجارها و هویت‌های جدید در حال ساختن واقعیتی تازه در نظام بین‌الملل هستند.

اگر چه این نوشتار به تحلیل تحول الگوهای ارتباطی در عصر دیجیتال پرداخته اما با محدودیت هایی نیز روبرو بوده است. پویایی و تغییر سریع فناوری های دیجیتال و پیامدهای آن بر دیپلماسی، به این معنا است که یافته های این نوشتار نیازمند بازبینی و به روزرسانی مستمر هستند. همچنین این نوشتار بیشتر بر سطح تحلیل کلان بین المللی متمرکز بوده و امکان کاوش عمیق تر در استراتژی های کشورهای خاص با بافتارهای سیاسی- فرهنگی متفاوت را نیافته است. بر این اساس، پژوهش های آتی می توانند در زمینه های موضوعاتی مانند تحلیل و مقایسه راهبردهای دیپلماسی دیجیتال کشورهای مختلف با در نظر گرفتن بسترهای هنجاری و هویتی خاص هر یک و یا بررسی تاثیر هوش مصنوعی و فناوری های نوظهور مانند متاورس بر آینده تعاملات دیپلماتیک و ساخت هویت‌های فراملی، صورت پذیرند.

در پایان می توان گفت که دیپلماسی دیجیتال، عرصه ارتباطات بین الملل را از یک بازی با حاصل جمع صفر و منحصر به دولت ها به یک فرآیند پیچیده، شبکه ای و چندکنشگری تبدیل کرده است. آینده دیپلماسی، تلفیقی از حیثیت سازی مبتنی بر فناوری، تعاملات چندجانبه و بازتعریف مداوم هنجارها خواهد بود که بدون درک عمیق پیچیدگی های ارتباطات دیجیتال قابل تحلیل نیست. بنابراین، دولت ها و نهادهای بین المللی باید دیپلماسی دیجیتال را به عنوان جزئی حیاتی از استراتژی های خود در نظر گرفته و با بهره گیری از ابزارهای جدید، ساختارها و فرهنگ سازمانی خود را به روز کنند تا در فضای رقابت پیچیده و چندلایه جهانی موثر باقی بمانند. آینده روابط بین الملل تا حد زیادی به توانایی بازیگران در درک این تحولات بنیادین و سازگاری خلاقانه با این فضای اجتماعی جدید بستگی خواهد داشت.

دیپلماسی دیجیتال با ویژگی های تعاملی و غیرمتمرکز خود، نماینگر تغییر بنیادین در ساختار قدرت و تعاملات بین الملل است که نظریه سازه انگاری آن را از دریچه ساخت اجتماعی معنا، قدرت و هویت توضیح می دهد.

فهرست منابع فارسی

- امان‌پور، یسنا (۱۴۰۲)، دیپلماسی دیجیتال، فناوری اعمال شده برای روابط بین الملل و همکاری، ماهنامه اطلاع رسانی، پژوهشی، تحلیلی و فرهنگی پیوست، peivast.com.

- برجعلی زاده، محمد، جعفری، علی، کردی، ناهید (۱۴۰۰)، نقش فناوری‌های نوین ارتباطی در گسترش دیپلماسی در عرصه بین‌الملل (مورد مطالعه: استادان دانشگاه، کارشناسان و پژوهشگران رسانه)، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، دوره ۲۸، شماره۱۰۵، ۶۵-۴۱(doi:10.22082/cr.2020.110835.1875).

- تقوی رمضانی، فاطمه، سلطانی فر، محمد، درزبان رستمی، حسن، حسینی دانا، حمیدرضا (۱۴۰۲)، دیپلماسی دیجیتال ابزار قدرت سازی دولت‌ها با هدف تدوین راهبرد برای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۲، شماره ۴۷، ۲۶۸-۲۱۹ (doi:10.22054/qpss.2023.71924.3173).

- جافاروا، لالا (۲۰۲۳)، هوش مصنوعی و دیپلماسی دیجیتال، مترجم:رستمی خاصلوئی، سمیه، مرکز پژوهش-های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، cmess.ir.

- جهان پرور، طاهره، حضرتی صومعه، زهرا، رشیدوش، وحید (۱۴۰۳)، مطالعه نقش دیپلماسی سیاستی فضای مجازی در توسعه روابط بین‌الملل فرامنطقه‌ای ایران، دوفصلنامه مطالعات راهبردی سیاست بین‌الملل، سال هفتم، شماره ۱،۱۸۸-۱۵۵

- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۳)، دیپلماسی مردمی، پیشران سیاست خارجی در عصر جهانی شدن،tasnimnews.com .

- خسروی، افسانه، رزمجو، علی اکبر، عنایتی شبکلایی، علی (۱۳۹۴)، دیپلماسی عمومی جدید؛ بسترساز قدرت دیپلماسی رسانه‌ای، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌الملل*، شماره ۱۴۸،۲۲-۱۲۵

- زمانیان، معصومه، شریفی، مهدی، شیخ الاسلامی، محمدحسن، نرگسیان، عباس (۱۴۰۱)، مطالعه تطبیقی دیپلماسی دیجیتال آمریکا، بریتانیا، چین و روسیه، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، سال هفتم، شماره ۱،۱۱-۴۴

- سعیدی، روح الامین، هادیان، ناصر (۱۳۹۲)، از دیپلماسی عمومی سنتی تا دیپلماسی عمومی نوین: رویکردی هابرماسی، فصلنامه علمی راهبرد، دوره ۲۲، شماره ۳، 61-33(doi:20.1001.1.10283102.1392.22.3.2.5).

- فرهنگی، علی اکبر، قرائتی، علیرضا، کربلایی حاجی اوغلی، حسن (۱۳۹۳)، دیپلماسی دیجیتال و روابط میان دولت‌ها در جوامع معاصر، فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، سال نهم، شماره بیست و چهارم،۸۹-۸۸

- کوهی نصرآبادی، محسن، واحد، نسترن (۱۳۹۹)، دیپلماسی رسانه‌ای و نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی، *فصلنامه دانش تفسیر سیاسی*، سال دوم، شماره ۶،۲۸-۱

- گنجی دوست، محمد (۱۳۸۷)، تحولات دیپلماسی در عصر اطلاعات، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۱،۲۱۲-۱۸۵

- مرادی‌فر، سعیده (۱۴۰۰)، بازتعریف کارکرد دیپلماسی دیجیتال دولت‌ها، پژوهشگاه فضای مجازی، thecsri.ir.

- موسوی، محمد، جوادی ارجمند، محمدجواد (۱۴۰۱)، مکانیسم علی و روش شناسی سازه انگاری در روابط بین‌الملل، فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، دوره ۲۸، شماره ۱۱۲، 78-65

- مهرابی شرف آبادی، هادی، طوطیان اصفهانی، صدیقه، دانش فرد، کرم اله، موفق‌پور، محمدعلی (۱۴۰۳)، ارائه الگوی فرا ترکیب فرصت‌ها و چالش‌های حکمرانی شبکه‌ای در عصر دیجیتال، *فصلنامه مطالعات مدیریت دولتی ایران*، دوره ۷، شماره ۳، ۱۱۷-۸۵(doi:10.22034/jipas.2025.453534.1706).

- نبی پور، پوریا (۱۳۹۹)، آیا دیپلماسی دیجیتال ماهیت دیپلماسی را تغییر داده است؟، دیپلماسی ایرانی، irdiplomacy.ir.

- نصری نصرآبادی، شهره، قاضی نوری، سپهر، منتظر، غلامعلی (۱۳۹۹)، بررسی مسئله شکاف دیجیتالی در ایران براساس رویکرد جدید نظام نوآوری مبتنی بر مسئله، *فصلنامه مدیریت اطلاعات*، دوره ۶، شماره ۲۷۱،۱-۲۴۱

- نقیب السادات، سیدرضا (۱۴۰۴)، چالش‌های دیپلماسی سایبری در ایران، *فصلنامه مطالعات فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی*، سال ۲، شماره ۳، ۸۰-۵۵ (doi:10.22083/cssms.2025.499627.1032).

- وحیدی، موسی الرضا (۱۳۹۹)، نقش تصاویر و روایت های داستانی در دیپلماسی عمومی دیجیتال، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۳۴، شماره ۳۹-۶۲،۲

- ویدان (۱۴۰۰)، ۱۰ پارادایم جدید ارتباطات در عصر دیجیتال، vidone.ir.

- یادگاری، امیرمنصور (۱۴۰۴)، دیپلماسی در فضای مجازی: فرصت‌ها، چالش‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران، پژوهشگاه فناوری ارتباطات و اطلاعات، vlib.itrc.ac.ir.

- یگانگی،کامران (۱۴۰۳)، دیپلماسی دیجیتال- ابعاد استراتژیک و کاربردها، *دیپلماسی ایرانی*، irdiplomacy.ir .

List of English Resources

- Diplo (2021). Digital Diploacy. you landed on the story of digital diplomacy. diplomacy.edu.

- International University Schiller (2024). THe Rise of Digital Diplomacy: Social Media's Impact on International Relations. schiller.edu.

- Karamat،Hassan. Sarfaraz. Batool (2024). Evolving Trends of Digital Diplomacy and its Role in the Achivement of Foreign Policy Goals. Journal of Policy Research،Vol.10،No.3.

- Quadri. Inijah (2024). Digital Diplomacy:How Social Media is Reshaping International Relations. usresistnews.org.

- Rashica. Viona (2019). The Benefits and Risks of Digital Diplomacy. SEEU Review. Vol.13،No.1. (doi:10.2478/seeeur-2018-0008).

- Saaid. Zahra (2025). Cyberspace Reading through the Prism of International Relations Theories: Morocco as a Practical Case. EJ-Politics،European Journal of Law and Politics Sciences. Vol.4 ،No.3. (doi:10.24018/ejpolitics.2025.4.3.172).

- Smith. Liyam (2024). Digital Diplomacy: How Social Media Influences International Relations in the 21st Century. EDu Juournal of International Affairs and Research،Vol.3. No.2.

- Wendt. Alexander. (1992). Anarchy is what states make of it: The social construction of power politics. International Organization. 46(2). 391–425.
https://doi.org/10.1017/S002081830002776

From Traditional Diplomacy to Digital Diplomacy: Changing Patterns of International Communication

Soheila janbaz*[1]- Afshin Zargar [2]

Abstract

The world is witnessing a major transformation in the field of diplomacy. This transformation has transformed the classic patterns of international communications and created a polyphonic، dense، and decentralized space. While traditional diplomacy was state-centered and based on limited and confidential channels، digital diplomacy has created a networked ، interactive، and transparent space in which non-state actors also play a role. The question is، how does digital diplomacy redefine communication patterns and the roles of actors in the international arena? The hypothesis of this article is that digital diplomacy is creating interactive، transparent، and decentralized communication patterns in the international arena by facilitating direct and multilateral interaction. This study، using a qualitative research method with an analytical-descriptive approach، argues that this change is not only in the tools، but also in the norms، identities، and the process of meaning-making itself in the global arena. The findings show that the digital space has shifted towards transparency، changing the traditional role of diplomats to facilitators of dialogue and providing a new platform.

Keywords: Digital diplomacy ،international communications ،communication pattern ،norm-setting ،constructivism ،non-state actors

[1] - PhD Student in International Relations, Department of International Relations, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran
soheila.janbaz@iau.ac.ir
[2] - Associate Professor, Department of International Relations, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran